

نقش ارجاع مقایسه‌ای در انسجام شعر عروضی فارسی

دکتر غلامحسین غلامحسین‌زاده

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

حامد نوروزی*

چکیده

در نظریه‌های زبانی هالیدی یکی از عواملی که سبب پیوند جمله‌های متن می‌شود مقایسه است. این عامل در کنار ارجاع شخصی و اشاره‌ای سه نوع ارجاع را در این نظریه شکل می‌دهد؛ زیرا از نظر هالیدی وقتی دو چیز با هم مقایسه می‌شود در واقع به هم ارجاع می‌دهد. ارجاع مقایسه‌ای، ارجاع غیرمستقیمی به یکسانی، تفاوت یا شباهت عوامل ارجاعی است. این نوع ارجاع به دو بخش تقسیم می‌شود: عام و خاص. ارجاع مقایسه‌ای عام به سه بخش یکسانی، شباهت و تفاوت تقسیم می‌شود. به دلیل اهمیت و بررسی دقیق تشبیه در زبان فارسی سعی شده‌است در حد امکان به نقاط مشترک این مقوله در ادب فارسی و نظریه هالیدی اشاره شود. هالیدی ارجاع مقایسه‌ای خاص را نیز به شمارشی و وصفی تقسیم می‌کند. اما نگارندگان به تبع مقایسه عام و امکانات تشبیه در زبان فارسی، نوع تشبیهی را نیز به آنها افزوده‌اند. در نظریه هالیدی انسجام علاوه بر ارجاع عوامل دیگری نیز دارد که عبارت است از: (۱) جایگزینی و حذف (۲) انسجام واژگانی (۳) ربط. البته نگارندگان به دلیل اینکه زبان ادبی را بررسی می‌کنند، عامل انسجام دهنده توازن نحوی را نیز به این فهرست اضافه کرده‌اند. به دلیل گستردگی مطلب، نگارندگان این مقاله تنها به بررسی یکی از این عوامل، یعنی ارجاع مقایسه‌ای، می‌پردازند.

کلید واژه‌ها: انسجام شعر عروضی، ارجاع مقایسه‌ای، یکسانی در عروض، تشبیه ادبی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۰/۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۸/۲۰

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

در قیاس به طور کلی ویژگیهای دو یا چند چیز کنار یکدیگر گذاشته و با هم سنجیده و مقایسه می‌شود. بنابراین قیاس دست‌کم دو طرف دارد و قیاس یک چیز با خودش بی معنی است. از نظر منطقی، طرفین قیاس می‌توانند با یکدیگر سه نوع رابطه داشته باشند: اول اینکه طرفین یکسان باشند. دوم اینکه به هم شبیه باشند. سوم اینکه متفاوت باشند. البته اگر موشکافانه بررسی کنیم، امکان اول نیز منتفی است؛ چراکه نمی‌توان در جهان واقعی دو چیز یافت که عیناً یکسان باشند. این نکته در مورد معانی یکسان یا مترادف نیز صدق می‌کند (ر.ک: صفوی، ۱۳۸۳: ۱۰۶). اما با اغماض می‌توان این گونه پنداشت که اگر تمام ویژگیهای طرفین مقایسه از نظر ظاهری عیناً به هم می‌ماند، یکسان هستند. از نظر زبانی این امکان وجود دارد که ویژگیهای مورد قیاس ذکر بشود یا نشود. اما در عمل نمی‌توان بدون در نظر گرفتن ویژگیهای دو چیز آن‌ها را با هم مقایسه کرد. بنابر این در زبان می‌توان ویژگیهای مورد مقایسه را ذکر کرد یا نکرد. بر این اساس دو نوع کلی قیاس شکل می‌گیرد: عام (بدون ذکر ویژگی مورد مقایسه) و خاص (با ذکر ویژگی مورد مقایسه). به صورت ذهنی می‌توان سه امکانی را که برای نتیجه یک قیاس ذکر شد در مورد مقایسه عام و خاص هم به کار گرفت؛ اما با توجه به اینکه نگارندگان از یک نظریه معین پیروی می‌کنند و قصد بررسی آن را در زبان دارند، ناچارند تا حد امکان خود را در قالب آن نظریه قرار دهند؛ مگر اینکه تفاوت‌های زبان اصلی نظریه و زبان فارسی تا حدی باشد که تقسیم‌بندی یا کاربست آن را دچار مشکل کند. در این نظریه، که هالیدی مبدع آن است، مقایسه عام امکاناتی دارد که ذکر شد یعنی نتیجه مقایسه عام می‌تواند یکسانی، شباهت یا تفاوت طرفین قیاس باشد. اما از دیدگاه وی مقایسه خاص دو صورت دارد: یعنی شمارشی و وصفی؛ به عبارت دیگر وی بر این باور است که ویژگی قیاس شده یا کمی است یا کیفی. اگر کمی باشد در قسمت شمارشی و اگر کیفی باشد در قسمت وصفی جای می‌گیرد؛ اما توجه به نکته‌ای در اینجا ضروری است. در زبان فارسی گاهی دو چیز با هم قیاس می‌شوند؛ شبیه پنداشته می‌شوند و ویژگی مورد قیاس نیز ذکر می‌شود. در این صورت این نوع قیاس در کدام دسته جای می‌گیرد؟ برای روشن شدن این مطلب می‌توان از این مثال یاری جست: ۱- «سرو از کاج بلندتر است». ۲- «سرو و تبریزی از نظر بلندی شبیه یکدیگرند». در مثال «۱» ویژگی «بلندی» با واژه بلندتر در طرفین مقایسه شده است.

این مقایسه کیفیت دو چیز است و در حوزه مقایسه خاص جای می‌گیرد. اما در جمله «۲» با مشکلی روبه‌رو می‌شویم؛ چون کیفیت دو چیز با هم مقایسه شده و سپس آن دو چیز در آن ویژگی شبیه پنداشته شده‌اند. آیا این نوع مقایسه در حوزه شباهت و مقایسه عام جای دارد یا در حوزه مقایسه کیفی و خاص؟ پاسخ این پرسش و سؤالات دیگر در متن تحقیق روشن خواهد شد. البته تنها در این مورد نیست که میان تشبیه و ارجاع مقایسه‌ای، همانندی‌هایی یافت می‌شود، بلکه در موارد دیگر مانند مقایسه کیفیت، یکسانی و حتی تفاوت نیز این شباهت وجود دارد؛ برای مثال در ادبیات فارسی نوعی از تشبیه وجود دارد با عنوان «تشبیه تفضیل». در این نوع از تشبیه، نخست تشبیه کنند و پس از فراغت از تشبیه، مشبه را بر مشبه‌به تفضیل و ترجیح دهند (همایی، ۱۳۷۵: ۲۳۶)؛ برای مثال:

یکی دختری داشت خاتون چو ماه کجا ماه دارد دو زلف سیاه

(فردوسی، ج ۹، ص ۱۴۵، ب ۲۲۹۲)

در این مثال، همان‌گونه که پیداست در ابتدا «دختر خاتون» همانند ماه دانسته شده است و سپس چون ماه دو زلف سیاه ندارد، شاعر گفته خود را تصحیح می‌کند و او را متفاوت از ماه می‌داند؛ به عبارتی ابتدا وجه شباهت و سپس وجه تفاوت آنها را بیان می‌کند. این نوع تشبیه در حوزه تفاوت جای می‌گیرد یا تشبیه؟ در باقی موارد نیز این پرسش‌ها وجود دارد. پاسخ این پرسش‌ها را در متن تحقیق خواهیم داد. به طور کلی می‌توان گفت رد پای تشبیه چه در فروع مقایسه عام یعنی یکسانی، شباهت و تفاوت و چه در فروع مقایسه خاص یعنی شمارشی و وصفی وجود دارد. این رد پا را در همه عوامل بررسی خواهیم کرد.

نکته قابل ذکر اینکه وقتی دو چیز را با هم مقایسه می‌کنیم در واقع، پیوندی بین آن دو برقرار می‌شود؛ زیرا ناچاریم این هر دو را از مجموعه‌های خود جدا کنیم؛ کنار هم قرار دهیم و سپس مقایسه نماییم. اگر این فرایند در زبان روی دهد، طرفین مقایسه را از جمله‌های خود انتزاع می‌کنیم؛ در ذهن کنار هم قرار می‌دهیم و پس از برقراری ارتباط آنها را با هم مقایسه می‌نماییم. حال اگر آنها در دو جمله قرار داشته باشند، علاوه بر طرفین مقایسه با هم پیوند می‌خورند و جملات حاوی آنها نیز با هم متصل می‌شوند. این نوع اتصال یکی از انواع پیوندهایی است که سبب ارتباط جمله‌های متن

با یکدیگر می‌شود. این ارتباط شامل ارتباط در سطح آوایی، معنایی، نحوی و منطقی است و انسجام^۱ نامیده می‌شود.

انسجام در هر یک از سطوح زبانی ابزارهای خاص خود را دارد. در نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هالیدی، که چارچوب اصلی این پژوهش را شکل می‌دهد، عوامل انسجام متن مفصلاً بررسی می‌شود. از نظر هالیدی این عوامل عبارت است از: ارجاع^۲، حذف^۳، جایگزینی^۴، ربط^۵ و انسجام واژگانی^۶. همان‌گونه که بیان شد، مقایسه نیز یکی از ابزارهایی است که سبب انسجام متن می‌شود و در کنار ارجاع شخصی و اشاره‌ای عامل انسجام دهنده ارجاع را شکل می‌دهد^۷. به دلیل گستردگی فراوان مطلب، نگارندگان در این مقاله تنها به بررسی ارجاع مقایسه‌ای به عنوان یکی از عوامل انسجام متن خواهند پرداخت و در نظر دارند با توجه به نتایج بحث به سؤالات زیر پاسخ دهند:

۱. عوامل ارجاع مقایسه‌ای در زبان ادبی فارسی کدام است؟
 ۲. آیا صرف حضور عامل ارجاع برای شکل‌گیری انسجام کافی است یا عملکرد انسجامی آنها شرایط خاصی دارد؟
 ۳. ارجاع مقایسه‌ای در زبان فارسی به چه صورت‌هایی نمود می‌یابد؟
 ۴. ارجاع مقایسه‌ای و تشبیه چه همانندی‌هایی دارد؟
- برای پاسخ گفتن به سؤالات فوق، گام اول بررسی ماهیت ارجاعی مقایسه و قیاس آن با روابط ارجاعی دیگر یعنی ارجاع شخصی و اشاره‌ای است.

ماهیت ارجاع مقایسه‌ای و شرایط انسجام‌بخشی آن

ارجاع به شخصی، اشاره‌ای و مقایسه‌ای تقسیم می‌شود. ارجاع شخصی سه زیر مقوله دارد: (۱) ضمایر شخصی (۲) صفات ملکی (۳) ضمایر ملکی. ضمایر شخصی نیز شامل ضمایر فاعلی و مفعولی است (محمد ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۸۸). ارجاع اشاره‌ای در نظریه هالیدی دو بخش دارد: (۱) خنثی، شامل حرف تعریف «the» (۲) منتخب، شامل عوامل اشاره به دوری و نزدیکی مشارکین و شرایط مکانی فرایند؛ یعنی ضمایر «این»، «آن»، «اینها»، «آنها»، «اینجا»، «آنجا»، «حالا» و «آن‌گاه» (همان: ۹۰-۹۳). هالیدی ارجاع مقایسه‌ای را ارجاع غیرمستقیمی به یکسانی یا شباهت عوامل ارجاعی می‌داند (هالیدی، حسن؛ ۱۹۸۴: ۳۹). ارجاع مقایسه‌ای شامل صفات و قیود تفضیلی و اشاره‌ای

می‌شود (همان: ۹۴). ارجاع، رابطه‌ای است که طی آن تعبیر یا تفسیر یکی از طرفین ارجاع، یعنی عنصر پیش‌انگار^۱ بر اساس ویژگیهای معنایی آن عنصر انجام نمی‌شود؛ بلکه برای این منظور به سوی دیگر رابطه، یعنی مرجع رجوع می‌شود (هایلی، حسن: ۱۹۷۶: ۲).

در مورد فرایند انسجام‌بخشی ارجاع شخصی و اشاره‌ای می‌توان گفت عنصر پیش‌انگار عنصری است که به صورت بالقوه، مصادیق فراوانی دارد و برای روشن شدن مصداقش باید به مرجع آن رجوع کرد. این رجوع سبب انسجام متن می‌شود؛ اما در ارجاع مقایسه‌ای این فرایند به گونه‌ای دیگر شکل می‌گیرد. نکته اصلی در این فرایند تعدد مصداقهای پیش‌انگار نیست؛ بلکه وجود ویژگی یا مجموعه‌ای از ویژگیهاست که در طرفین مقایسه وجود دارد و آنها را به هم می‌پیوندد. به علاوه ارجاع شخصی و اشاره‌ای رابطه هم‌مرجعی را نشان می‌دهد؛ یعنی در فرایند این دو نوع ارجاع بارها به یک مصداق ارجاع داده می‌شود؛ اما ارجاع مقایسه‌ای رابطه تقابلی را بیان می‌کند. در ارجاع مقایسه‌ای، مقوله‌ای را می‌شناسیم که بدان ارجاع داده شده است؛ اما نه به این علت که قبلاً به آن ارجاع شده است؛ بلکه بدین علت که آن مقوله در یک ویژگی همانند یا متفاوت با مقوله‌ای است که قبلاً ذکر شده است (هایلی، حسن، ۱۹۷۶: ۲۹۳):

برای مثال:

چیست دانی بدتر از مرگ ای نگار؟ انتظار است انتظار است انتظار

(ابرج میرزا، ص ۱۳۳، ب ۱ - ۴)

در این مثال، طرفین مقایسه «مرگ» و «انتظار»، و ویژگی «بد» بودن میان آنها مشترک است؛ اما به نظر شاعر این ویژگی در انتظار بیش از مرگ وجود دارد و از طریق صفت تفضیلی «بدتر» و انتساب آن به انتظار نشان داده شده که این ویژگی یعنی بد بودن در انتظار بیش از مرگ است. بنابر این پیداست که آنچه سبب ارجاع طرفین مقایسه به یکدیگر می‌شود، ویژگی مورد قیاس است؛ نه ابهام معنایی یکی از طرفین. نکته دیگر اینکه بافتار یا انسجام متن، تنها با وجود یکی از طرفین مقایسه شکل نمی‌گیرد؛ بلکه وجود هر دو طرف یا عامل رجوع‌کننده و رجوع‌شونده برای شکل گرفتن بافتار و انسجام دو یا چند جمله و در پی آن متن لازم است؛ برای مثال بیت زیر را در نظر بگیرید:

بیشتر از شاه و کمتر آمدن جمله باشد در برابر آمدن

(عطار، منطق‌الطیر، ص ۲۱۱، ب ۳۷۷)

در این بیت یکی از طرفین مقایسه یعنی «شاه» وجود دارد؛ اما طرف دیگر موجود نیست. می‌توان این‌گونه تصور کرد که در فرایندی پیچیده، طرف دیگر مقایسه حذف شده‌است. به این ترتیب که ژرف‌ساخت این مقایسه را می‌توان چنین تصور کرد: بیشتر [بودن چیزی] از شاه و کمتر آمدن [چیزی از شاه] جمله در برابر آمدن [آن چیز با شاه] باشد. به این ترتیب پیداست که طرف دیگر تشبیه در متن نیامده‌است. این نوع مقایسه در انسجام متن هیچ تأثیری ندارد.

نکته دیگر اینکه برای انسجامی بودن هر ارجاع مقایسه‌ای لزوماً طرفین مقایسه باید در دو جمله قرار داشته باشند؛ در غیر این صورت رابطه مقایسه‌ای انسجامی نخواهد بود. این نکته به آن دلیل اهمیت دارد که در زبان فارسی بیشتر مقایسه‌ها در یک جمله اتفاق می‌افتد؛ برای مثال:

در بوستان حریفان مانند لاله و گل هر یک گرفته جامی بر یاد روی یاری

(حافظ، ص ۳۴۴، ب ۶)

باغ بهشت و سایه طوبی و قصر و حور با خاک کوی دوست برابر نمی‌کنیم

(حافظ، ص ۲۷۴، ب ۲)

مثال اول بیانگر رابطه تشابه بین «حریفان» و «لاله و گل» است. مثال دوم نیز رابطه یکسانی «باغ بهشت و سایه طوبی و قصر و حور» را با «خاک کوی دوست» نشان می‌دهد. در هر دوی این مثالها مقایسه در یک جمله اتفاق افتاده‌است؛ به عبارت دیگر طرفین مقایسه در یک جمله قرار دارند. بنابراین رابطه طرفین انسجامی نیست؛ زیرا انسجام تنها بین جملات یک متن معنی دارد نه داخل جمله‌های یک متن. بنابراین در مورد هیچ‌یک از عوامل مقایسه‌ای نمی‌توان به قطعیت گفت که همیشه انسجام بخش هستند. تنها در مورد تشبیه مرکب این امکان بیشتر از دیگر انواع مقایسه وجود دارد؛ زیرا اغلب به صورت جمله به کار می‌رود. اما در مورد تشبیه مرکب نیز این حکم قطعی نیست و موارد بسیاری می‌توان یافت که مقایسه طرفین آن غیر انسجامی باشد.

عوامل ارجاع مقایسه‌ای

هالیدی عوامل ارجاعی مقایسه‌ای را در جدولی به صورت زیر، تقسیم‌بندی می‌کند:

ارجاع مقایسه‌ای

عملکرد دستوری	توصیف‌کننده: اشاره‌ای / لقب	توصیف‌کننده فرعی / فرع
طبقه	صفت	قید
مقایسه عمومی		
یکسانی	Same, identical : یکسان	Identically: به صورت یکسان
شباهت عمومی	Similar: مشابه [افزایشی، بیشتر]	Similarly: به صورت مشابه، به همان صورت، همین‌جور، این‌گونه
تفاوت (یعنی غیریکسان یا بی‌شبهاتی)	Other, different, else: دیگر، متفاوت و..	differently: به صورت متفاوت، به صورت دیگر
مقایسه مشخص	Beter, more: بهتر، بیشتر و... [صفت‌های مقایسه‌ای و کمیت‌نما]	So more/less equally: به همین صورت، بیشتر، کمتر، به صورت مساوی

۹۷



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۶، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۸۸

(البته برخی از عباراتی که هالیدی در این نوع ارجاع مطرح می‌کند در فارسی به صورت ارجاع اشاره‌ای ترجمه می‌شود؛ مانند «به همان صورت، همین‌طور و این‌گونه» که برگردان «similarly» است. در زبان انگلیسی هیچ ارتباطی بین این گونه واژه‌ها و ارجاع اشاره‌ای وجود ندارد. به همین دلیل در دو نوع جداگانه گنجانده شده است؛ اما در فارسی به نظر می‌رسد حضور این عوامل در ارجاع اشاره‌ای منطقی‌تر است.)

به طور کلی ارجاع مقایسه‌ای به دو دسته ارجاع مقایسه‌ای عام و ارجاع مقایسه‌ای خاص تقسیم می‌شود. ارجاع مقایسه‌ای عام مقایسه‌ای است بدون توجه به ویژگی‌های دو چیزی که با هم قیاس می‌شود؛ مانند بزرگی و کوچکی آنها. مقایسه عام ممکن است صورتی از یکسانی یا شباهت باشد. هر کدام از اینها مخالف خود را نیز دارد؛ یعنی مقایسه عام ممکن است صورتی از عدم یکسانی یا عدم شباهت باشد؛ ولی هر دوی این مفاهیم در سیستم معنی‌شناسی به عنوان «تفاوت» شناخته می‌شود (همانجا: ۷۶)؛ به عبارت دیگر هالیدی ارجاع مقایسه‌ای عام را به سه بخش یکسانی، شباهت و تفاوت

تقسیم می‌کند؛ یعنی دو چیزی که از طریق ارجاع مقایسه‌ای عام با هم مقایسه می‌شوند یا یکسانند یا شبیهند یا متفاوت. یکسانی طرفین مقایسه از طریق واژه‌هایی مانند «برابر» و «یکسان» نمایش داده می‌شود؛ شباهت آنها از طریق واژه‌هایی مانند «شبيه» و «مثل» و تفاوتشان از طریق واژه‌هایی مانند «متفاوت» و «متمایز». مقایسه نیز مانند ارجاع شخصی یا اشاره‌ای نوعی ارجاع است و تمام امکاناتی را که قبلاً ذکر شد (برون مرجعی، درون مرجعی، پیش مرجعی و پس مرجعی) دارد؛ برای مثال:

کنیزی کاردان را گفت آن ماه به خدمت خیز و بیرون رو سوی شاه
 فلان شش طاق دیبا را برون بر بزن با طاق این ایوان برابر
 (نظامی، خسرو و شیرین، ص ۳۰۳، ب ۱۴ - ۱۵)

در این مثال «فلان شش طاق دیبا» با «طاق این ایوان» مقایسه شده است. صورت منثور بیت این مقایسه را آشکارتر خواهد کرد: فلان شش طاق دیبا آن‌گونه بزن که برابر با این ایوان شود. روشن است که شش طاق دیبا با طاق این ایوان قیاس شده است و در پی این مقایسه او و مادر نیز به هم ارجاع داده می‌شود؛ بدون اینکه ویژگی خاصی از آنها با هم مقایسه شود. هر دو عنصر پیش‌انگار و پیش‌انگاشته نیز در متن وجود دارد. بنابراین ارجاع درون‌متنی است و چون ویژگی خاصی از آنها با هم مقایسه نشده است از نوع مقایسه‌ای عام نیز به شمار می‌رود. شباهتها و تفاوت‌های کیفی و کمی پیش‌انگار و مرجع به صورت صفت یا قید مقایسه‌ای تجلی می‌یابد (محمد ابراهیمی: ۹۴). به علاوه چون طرفین ارجاع مقایسه‌ای در دو جمله قرار دارد، رابطه، انسجامی است.

در مقایسه خاص یک ویژگی خاص پیش‌انگار و مرجع را با هم مقایسه می‌کنیم. این ویژگی خاص کمی یا کیفی است. اگر مقایسه کمی باشد، نتیجه آن با عناصر شمارشی بیان می‌شود؛ مثل «کمتر» یا «بیشتر». اگر مقایسه کیفی باشد، نتیجه آن را با عامل وصفی یا صفت تفضیلی بیان می‌کنیم؛ مانند تندتر، کندتر، بهتر، بدتر و مقایسه خاص نیز ارجاعی و در نتیجه انسجامی است (همانجا: ۳۷)؛ برای مثال:

ای خدا پس این مرد بیگانه دزد گویا نیست هست دیوانه
 زین تحیر زن، دست زد بر دست بدتر از دزد است
 (نیما، ص ۹۷، ب ۸ - ۹)

در این مثال عامل مقایسه کیفی «بدتر» این مرد بیگانه را با دزد مقایسه کرده و مرد بیگانه را بدتر از دزد دانسته است. بنابراین، این دو را به یکدیگر ارجاع داده است و چون هرکدام از این طرفین در جمله‌ای مستقل جای دارند، ارتباط انسجامی شکل

گرفته است. به علاوه از آنجا که بیشتر ویژگی خاص قابل شمارشی از هردو، یعنی طول عمر، را با هم مقایسه کرده است در حوزه ارجاع مقایسه‌ای خاص جای می‌گیرد. در اینجا ذکر نکته‌ای لازم به نظر می‌رسد:

همان‌گونه که ملاحظه شد، نوعی از ارجاع مقایسه‌ای عام، تشبیه بود. ویژگی تشبیه عام ذکر نشدن دلیل یا وجه تشابه طرفین تشبیه است. تفاوت مقایسه خاص با مقایسه عام نیز ذکر و مقایسه ویژگی مشترک طرفین مقایسه است. این دو نوع مقایسه در ادب فارسی به صورت مبسوط مورد بررسی قرار گرفته است. در ادب فارسی از دیدگاه ذکر وجه شبه دو نوع تشبیه وجود دارد: تشبیه مجمل و تشبیه مفصل. اگر وجه شبه در تشبیه ذکر شود آن تشبیه را مفصل گویند (علوی مقدم، اشرف‌زاده، ۱۳۷۹: ۸۷)؛ برای مثال:

هست استیلامی عدلش به کمالی که کنون
باز را کبک همی طعنه زند در کهسار
زانکه مانند شتر مرغ ندارد مخلص
زانکه مانده خفاش ندارد منقار
(انوری، ص ۱۵۶، ب ۸ - ۹)

در این مثال «باز» با «شتر مرغ» و «خفاش» مقایسه، و تشبیه پنداشته شده است. دلیل این همانندیها وجود ویژگی مخلص و منقار نداشتن در پیش‌انگار و مرجع است. این ویژگی، صفت یا وجه مشترکی که بین مشبه و مشبه‌به [یا همان مرجع و پیش‌انگار] وجود دارد، وجه شبه نامیده می‌شود. همان‌طور که پیشتر گفته شد با ذکر وجه شبه در تشبیه، تشبیه مفصل شکل می‌گیرد.

نوع دوم تشبیه از دیدگاه ذکر وجه شبه تشبیه مجمل است. اگر وجه شبه در تشبیه ذکر نشود آن را تشبیه مجمل خوانند (همان: ۸۸)؛ برای مثال:

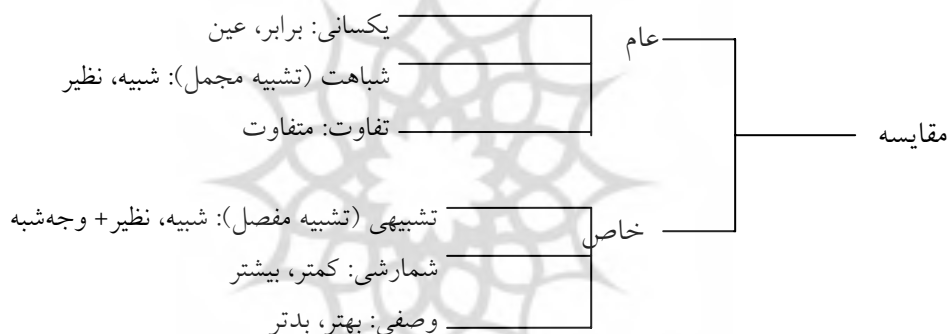
خاکت در استخوان رود ای نفس شوخ چشم
مانند سرمه‌دان که درو توتیا رود
(سعدی، ص ۷۳۰، ب ۵)

در این مثال «رفتن خاک در استخوان» با «رفتن توتیا در سرمه‌دان» قیاس شده و همانند یکدیگر پنداشته شده است. این مقایسه یا تشبیه سبب شکل‌گیری ارجاع مقایسه‌ای می‌شود. اما دلیل این شباهت یا ویژگی مشترک مشبه و مشبه‌به یا مرجع و پیش‌انگار ذکر نشده است.

همان‌طور که پیداست گونه اخیر تشبیه، یعنی تشبیه مجمل با مقایسه عام از نظر شباهت یعنی قسم دوم مقایسه عام قابل تطبیق است. چون صرف شباهت دو چیز با هم قیاس می‌شود بدون توجه به ویژگی مشترک. اما جای گونه اول تشبیه، یعنی تشبیه

مفصل در تقسیم‌بندی هالیدی خالی است. به همین دلیل به نظر می‌رسد در کنار مقایسه خاص از نظر شمار و وصف بتوان مقایسه خاص از نظر شباهت را نیز ذکر کرد؛ زیرا در این نوع مقایسه یک ویژگی خاص یا همان وجه شبه ذکر شده از پیش انگار و مرجع مورد نظر است. گرچه این ویژگی در دل واژه‌هایی نظیر بهتر، بدتر یا بیشتر هست با توجه به اینکه چنین موضوعی در ادب پارسی وجود دارد؛ یعنی شباهت به صورت عام و خاص در ادب پارسی دیده شده است، به نظر می‌رسد لحاظ کردن این تمایز در قیاس‌های انسجام بخش مفید خواهد بود.

بنابر آنچه گفته شد ابتدا نمودار کلی «ارجاع مقایسه‌ای» ترسیم، و سپس برای هر یک از عوامل آن مثال و شرحی کوتاه ذکر می‌شود:



مقایسه عام

یکسانی: در این نوع ارجاع تأکید بر یکسانی طرفین مقایسه است و نتیجه آن با عواملی مانند «یکسان»، «عین»، «بعینه» و... بیان می‌شود.

مراسم در ملکوت آشیان و همت پست
به خاک تیره در این ملک کرده یکسانم
(محتشم کاشانی، ص ۲۴۰، ب ۹)

در این مثال «من» در مصراع اول با «خاک تیره» در مصراع دوم قیاس و برابر پنداشته شده و بنابراین ارجاع مقایسه‌ای عام شکل گرفته است. این یکسانی و مقایسه ارجاعی سبب انسجام متن می‌شود. نکته‌ای که همین ابتدا باید گوشزد کرد، تفاوت قیاس در زبان ادب و معیار است. در قیاس ادبی نباید به دنبال منطق دقیق بود؛ زیرا در اغلب موارد دو چیزی که با هم قیاس می‌شود ارتباط دقیق منطقی ندارد. اما در زبان معیار، منطق کاملاً حکم فرماست. به علاوه انواعی از تشبیه نیز در زبان ادبی همانند ارجاع

مقایسه‌ای از نوع یکسانی عمل می‌کند. در ادب پارسی نوعی تشبیه وجود دارد به نام تشبیه محذوف‌الادات یا مؤکد. «از آن جهت آن را مؤکد گویند که وقتی ادات تشبیه (یا عامل ارجاع مقایسه‌ای در حوزه شباهت) را از جمله حذف کنند، مشابهت و ماندگی به اوج می‌رسد. چون می‌گفتی «روی او گل است»، مثل این بود که گفته بودی از بس زیباست عین و برابر گل شده نه اینکه دو چیز جدا از هم باشند» (همایی، ۱۳۷۳: ۱۳۸). نوع دیگر تشبیه مؤکد، تشبیه بلیغ است که در آن هم ادات تشبیه حذف می‌شود و هم وجه‌شبهه. بنابراین تشبیه بلیغ از نظر حذف ادات تشبیه، تشبیه مؤکد و از نظر حذف وجه‌شبهه، تشبیه مجمل است. تشبیه بلیغ رساترین و زیباترین شکل تشبیه است؛ «چرا که در آن ادعای همانندی و اشتراک بین مشبه و مشبه‌به مطرح است؛ نه ادعای اشتراک بین مشبه و مشبه‌به در یک یا چند صفت» (علوی مقدم، اشرف‌زاده، ۱۳۷۹: ۸۸).

مثال برای تشبیه مؤکد:

دیو است جهان صعب و فرینده مر او را / هشیار و خردمند نجسته است همانا

(ناصر خسرو، ص ۳، ب ۴)

در مصراع اول این بیت، «جهان» برابر و عین «دیو» پنداشته شده؛ نه مثل آن و ویژگی مشترک یا وجه‌شبهه آن دو نیز «صعوبت و فریندگی» هر دو است.

مثال برای تشبیه بلیغ:

ما همه چشمیم و تو نور ای صنم / چشم بد از روی تو دور ای صنم

(سعیدی، ص ۵۱۵، ب ۱)

در این مثال ادعا شده است که «ما» عین «چشمیم» و «تو» عین و برابر «نور». اما وجه‌شبهه یا ویژگی مشترک این دو پیدا نیست و ذکر نشده است؛ مثالی دیگر:

دل سرپرده محبت اوست / دیده آینه‌دار طلعت اوست

(حافظ، ص ۴۴، ب ۱)

در این مثال ادعا شده که «دل» عین «سرپرده محبت او» است و «دیده» عین «آینه‌دار طلعت او». اما ویژگی مشترک مشبه و مشبه‌به یا مرجع و پیش‌انگار معلوم نیست.

اگر در این نوع تشبیه، «مشبه» به «مشبه‌به» یا بالعکس اضافه شود تشبیهی می‌سازد. بنابراین هر اضافه تشبیهی یک تشبیه بلیغ است؛ البته بلاغت اضافه تشبیهی از تشبیه بلیغ نیز بیشتر است (همان: ۸۹)؛ برای مثال

رشته صبرم به مقراض غمت بریده شد

همچنان در آتش عشق تو سوزانم چو شمع

(حافظ، ص ۲۲۷، ب ۳)

در این بیت سه اضافه تشبیهی وجود دارد: رشته صبر، مقراض غم و آتش عشق. در اولی دعا شده که «صبر من» عین «رشته‌ای بریده شده است». در اضافه دوم ادعا شده که «غم تو» عین «مقراض» است و در اضافه سوم ادعا شده که «عشق» عین «آتش» است.

بنابراین به نظر می‌رسد تشبیه بلیغ نوع ادبی مقایسه عام از نظر یکسانی است؛ یعنی بخش اول از مقایسه عام؛ زیرا ادعای یکسانی مشبه و مشبه‌به یا همان مرجع و پیش‌انگار مطرح می‌شود بدون اینکه توجهی به دلیل این یکسانی یا ویژگی مشترک آنها شود. از طرفی این ادعای یکسانی در تشبیه مؤکد نیز مطرح می‌شود؛ اما با توجه به ویژگی مشترک مشبه و مشبه‌به یا ذکر ویژگی مشترک آنها.

در هر دوی این گونه‌های تشبیه عوامل ارجاعی نشان‌دهنده یکسانی از روستاخت جمله حذف شده است و به همین دلیل در زمره ارجاعات قرار نمی‌گیرد. در واقع ارجاع آنها به نوعی ارجاعی معنایی است که در نظریه هالیدی نادیده گرفته شده است. یکی از ایراداتی هم که به نظریه هالیدی وارد شده عدم توجه به معناست (براون، یول: ۱۹۱). با این حال نگارندگان قصد ندارند که این دو نوع تشبیه یعنی مؤکد و بلیغ را به تقسیم‌بندی هالیدی وارد کنند و به ذکر عوامل ارجاع پایبند خواهند ماند. اما در زبان ادبی نوعی از ارجاع مقایسه‌ای در حوزه یکسانی وجود دارد که عوامل ارجاعی آن حذف نمی‌شود و به ویژگی مشترک طرفین ارجاع نیز توجه می‌شود؛ به عبارتی گاهی در زبان ادبی بر خلاف قاعده‌ای که در مورد مقایسه عام مطرح شد به ویژگی‌ای که سبب ادعای برابری شده است نیز اشاره می‌شود؛ برای مثال:

عمده مملکت علاءالدین	حافظ و ناصر زمان و زمین
نام او رتبت علاء دارد	گر گذشت از فلک روا دارد
در بزرگی برابر ملک است	وز بلندی برادر فلک است

(نظامی، هفت پیکر، ص ۲۲ - ۲۳، ب ۱۰ - ۱۱؛ ۶)

در این مثال علاءالدین در جمله اول برابر ملک در بیت سوم پنداشته شده. اما بر خلاف قاعده به ویژگی مشترک دو طرف مقایسه که البته ادعایی است نیز اشاره شده است. صحیح این است که چنین مواردی در مقایسه خاص بررسی شود؛ به عبارتی

ایجاد شاخه‌ای در بخش مقایسه خاص با عنوان یکسانی صحیحتر به نظر می‌رسد. اما با توجه به اینکه هدف نگارندگان حفظ صورت کلی نظریه است از این کار صرف نظر، و تنها به تذکر این امر بسنده کرده‌اند. به علاوه تشبیه در سنت مطالعات ادبی و بلاغت بحثی بسیار گسترده است و اگر همه این مباحث به این تقسیم‌بندی راه یابد، اصولاً شکل بررسی بکلی عوض می‌شود. هدف نگارندگان تنها تطبیق آن بخش از مباحث بلاغت بود که با نظریه هالیدی در باب «مقایسه» همانندی‌هایی داشت. برای بررسی دقیقتر مبحث اصلی خود یعنی ارجاع مقایسه‌ای عام از نوع یکسانی مثالی دیگر برای این نوع از ارجاع ذکر می‌شود:

کسری و ترنج زر، پرویز و به زرین
بر باد شده یکسر با خاک شده یکسان
(خاقانی، ص ۳۵۹، ب ۱۱)

در این مثال کسری، ترنج زر، پرویز و به زرین در جمله اول با خاک در جمله دوم یکسان پنداشته شده یا در اصل از طریق ارجاع مقایسه شده است. این قیاس سبب انسجام جمله اول و سوم می‌شود.

بسی در صدف افروز می‌شود پیدا
ولی کجا به در شاهوار یکسان است؟
(محتشم کاشانی، ص ۲۴۶، ب ۱۴)

در این مثال «در شاهوار» به «افروز» ارجاع داده شده است؛ ولی بر خلاف مثالهای قبل یکسان پنداشته نشده است. به این ترتیب بین «در شاهوار» و «افروز» با استفاده از لفظ یکسان رابطه ارجاع مقایسه‌ای برقرار است و این ارتباط سبب انسجام متن می‌شود.

شباهت: در این نوع از مقایسه تأکید بر شباهت طرفین مقایسه است. اما دلیل شباهت ذکر نمی‌شود. نتیجه این نوع مقایسه با عواملی مانند «چون»، «مثل»، «مانند» و ... بیان می‌شود؛ برای مثال:

لبلاب ضعیف بین که چندی
پیچد به چنار ارجمندی
در صحبت او بلند گردد
مانند وی ارجمند گردد
(ایرج میرزا، ص ۱۳۸، ب ۲۴ - ۲۵)

در این مثال «لبلاب ضعیف» به «وی»، که خود ضمیری است که به چنار ارجاع می‌دهد، تشبیه شده است؛ به عبارتی «لبلاب ضعیف» به چنار تشبیه شده است و در نتیجه طرفین این تشبیه با یکدیگر رابطه ارجاع مقایسه‌ای دارد؛ مثال دیگر:

سر از البرز برزد قرص خورشید
چو خون آلوده دزدی سر زمکمن

و یا همچون چراغی نیم‌مرده که هر ساعت فزون‌گردش روغن (منوچهری، ص ۱۱۵، ب ۱۵ - ۱۶)

در بیت اول این مثال «سر زدن قرص خورشید از البرز» به «سر برآوردن دزدی خون‌آلود از مکمن» تشبیه شده است؛ به عبارت دیگر این دو با هم رابطه ارجاع مقایسه‌ای دارد؛ اما وجه‌شبه ذکر نشده و بنابراین مقایسه عام صورت گرفته است. در بیت دوم «سر زدن قرص خورشید از البرز» مجدداً به [جان گرفتن] چراغی نیم‌مرده در اثر فزون شدن روغن تشبیه شده است. اما وجه‌شبه باز هم ذکر نشده است بنابراین، این تشبیه نیز در حوزه مقایسه عام قرار می‌گیرد.

تفاوت: در این نوع از مقایسه بر اختلاف طرفین تأکید است بدون اینکه علت اختلاف ذکر شود. نتیجه این مقایسه با عواملی مانند «مخالف»، «متضاد»، «متناقض» و ... بیان می‌شود؛ برای مثال:

مخالف؛ ناموافق:

نهاد عالم ترکیب و چرخ و هفت اختر	شد آفریده به ترتیب از این چهار گهر
ز آب روشن و از خاک تیره و آتش و باد	چهار گوهر و هر چار ضد یکدیگر
چه گر مخالف طبعست و ناموافق جسم	موافق است به یکجای از قضا و قدر

(ناصرخسرو، ص ۱۸۵، ب ۲۱ - ۲۳)

در بیت دوم این مثال عناصر چهارگانه برشمرده شده است. در بیت سوم این چهار گهر و مخالف «طبع» و ناموافق «جسم» پنداشته شده است. بنابراین بین «طبع» و چهار گهر و همین‌طور «جسم» و چهار گهر رابطه تفاوت وجود دارد و آنها از طریق مقایسه به یکدیگر ارجاع داده و سبب انسجام متن شده است؛ اما به دلیل این تفاوت و مخالفت یا ناموافقت توجهی نشده است. به همین دلیل این ارجاع در حوزه ارجاع عمومی جای می‌گیرد؛ مثالی دیگر:

ای گل تو مرغ نادری برعکس مرغان می‌پری

کامد پیامت زان سری پرها بنه بی پر بیا

(مولوی، ص ۵۳، ب ۷)

در این بیت رابطه تفاوت با عامل ارجاعی «برعکس» بیان شده و این ارجاع بین «گل» در جمله اول و «مرغان» در جمله دوم برقرار شده است. بدین ترتیب این دو

گروه اسمی نیز از طریق رابطه تفاوت به یکدیگر ارجاع داده شده و باعث انسجام متن شده است.

ذکر نکته‌ای در اینجا لازم است: همان‌گونه که در بخش مقدمه ذکر شد، تقریباً تمامی عوامل ارجاع مقایسه‌ای به گونه‌ای با مبحث تشبیه مرتبط است. این موضوع در مورد عوامل مقایسه‌ای بیانگر تفاوت نیز صادق است. در ادبیات فارسی نوعی از تشبیه وجود دارد با عنوان «تشبیه تفضیل». در این نوع از تشبیه نخست تشبیه کنند و پس از فراغت از تشبیه، مشبه را بر مشبه‌به تفضیل و ترجیح دهند (همای، ۱۳۷۵: ۲۳۶)؛ برای مثال:

ز بهر تهنیت عید با ممداد پگاه بر من آمد خورشید نیکوان از راه
به روی گویی ماهیست در میان قبا به قد گویی سرویست بر نهاده کلاه
چوماه بود و چوسرو و نه ماه بود و نه سرو کمر نبندد سرو و کله ندارد ماه
(فرخی، ص ۳۴۲، ب ۶۸۷۵ - ۶۷۸۹)

در این مثال، همان‌گونه که پیداست در ابتدا «خورشید نیکوان» از نظر چهره همانند ماه و از نظر قد مانند سرو دانسته شده است و سپس چون ماه کله ندارد و چون سرو کمر نمی‌بندد، شاعر گفته خود را تصحیح می‌کند و او را متفاوت از سرو و ماه می‌داند؛ به عبارتی ابتدا وجوه شباهت و سپس وجوه تفاوت آنها را بیان می‌کند. سؤال اینجاست که این نوع تشبیه در حوزه تفاوت جای می‌گیرد یا تشبیه. این نوع تشبیه با توجه به ذکر یا عدم ذکر وجه شبه یا ویژگی مورد مقایسه در حوزه تشبیه خاص یا عام قرار می‌گیرد؛ زیرا از نظر معنی بین تشبیه تفضیل و انواع دیگر تشبیه تفاوتی وجود ندارد (شمیسا، ۱۳۷۴: ۵۰). بنابراین می‌توان گفت هدف گوینده در اصل تشبیه بوده و در کنار آن به یکی از تفاوت‌های مشبه و مشبه‌به که نشان‌دهنده برتری مشبه است نیز اشاره می‌کند.

مقایسه خاص

- تشبیهی: در این نوع از مقایسه تأکید بر تشابه طرفین مقایسه است و تفاوت آن با تشبیه عام ذکر دلیل شباهت یا وجه شبه است. نتیجه این نوع از مقایسه نیز با عواملی مانند «چون»، «مثل»، «مانند» و ... بیان می‌شود؛ برای مثال:

سر دولت غرور است و میان لهو به پایانش زوال روزگار است
به می ماند که می فسق است اول میانه مستی و آخر خمار است
(خاقانی، ج ۲، ص ۱۰۹۸، ب ۸)

در این مثال «دولت» در بیت اول و جمله اول به «می» در بیت دوم یا جمله دوم تشبیه شده است. بنابراین رابطه ارجاعی مقایسه‌ای شکل گرفته است. اگر وجه شبه این تشبیه‌ها ذکر نمی‌شد، تشبیه مجمل به عبارت دیگر ارجاع مقایسه‌ای عام بود. اما ویژگی مشترک طرفین تشبیه در این مثال ذکر شده است. ویژگی مشترک یا وجه شبه «سر دولت» و «اول می» غرور یا فسق هردو است و ویژگی مشترک «میان دولت» و «میان میخواری» «لهو و مستی» است و ویژگی مشترک «پایان دولت» و «آخر میخواری» زوال و خمار هردو است. به همین دلیل این تشبیه مفصل است و در حوزه مقایسه خاص قرار می‌گیرد؛ مثالی دیگر:

تو بی‌خود و ایام در تکاپوست تو خفته و ره پر ز پیچ و تاب است
 بیهوده چه لرزی ز هر نسیمی مانند چراغی که بی‌حباب است
 (پروین اعتصامی، ص ۵۰، ب ۱۱ - ۲۳)

در این مثال «تو» به «چراغ بی‌حباب» تشبیه شده و بین آنها رابطه ارجاع مقایسه‌ای شکل گرفته است. اگر تنها به همین تشبیه بسنده می‌شد، تشبیه مجمل یا به عبارتی مقایسه عام بود. اما در ادامه ویژگی مشترک «لرزدگی ز هر نسیم» برای طرفین تشبیه یعنی مشبه و مشبه‌به پنداشته شده و بنابراین ارجاع مقایسه‌ای خاص شکل گرفته است؛ مثال دیگر:

برآمد قیرگون ابری ز روی نیلگون دریا چو رای عاشقان گردان، چو طبع بیدلان شیدا
 (فرخی، ص ۱، ب ۱)

در این بیت «قیرگون ابر» به «رای عاشقان» و «طبع بیدلان» تشبیه شده و رابطه ارجاعی مقایسه‌ای شکل گرفته است. به علاوه وجه شبه هر دو رابطه ارجاعی مقایسه‌ای نیز ذکر شده است. وجه شبه یا ویژگی مشترک «قیرگون ابر» و «رای عاشقان» گردان بودن و وجه شبه «قیرگون ابر» و «طبع بیدلان» شیدا بودن پنداشته شده است. بنابراین ارجاع مقایسه‌ای خاص شکل گرفته است.

شمارشی: در این نوع از مقایسه تأکید بر کمتر، بیشتر، بزرگتر یا کوچکتر بودن، یکی از طرفین مقایسه است. نتیجه این مقایسه با عواملی مانند «که»، «مه»، «کوچکتر»، «بزرگتر»، «فزونتر» و ... بیان می‌شود؛ برای مثال:

مهتر:

بسی کوکب که بر چرخ برین است صد و ده بار مهتر از زمین است
(عطار، اسرار نامه، ص ۹۰، ب ۱۷۴۴)

در این مثال تعداد بسیاری از کوکبان با زمین مقایسه شده است. شاعر ادعا می‌کند که بسیاری از این کوکبها صد و ده بار بزرگتر از زمین است. به این ترتیب ارجاع مقایسه‌ای شمارشی شکل گرفته است.

بیشتر:

گو دار کزین جفا فراوان بیش است آن منت غم که بر دل من دارد
(انوری، ص ۹۶۹، ب ۱۰)

در این بیت «منت غم» با «جفا» مقایسه و منت غمی که بر دل شاعر است از جفا بیشتر پنداشته شده است؛ به عبارتی «منت غمی که بر دل شاعر است» از طریق واژه بیش به «جفا» ارجاع داده شده است.

کمتر:

عقل خود را بزرگ می‌دارد نزد من کمتر است از هر کم
(شاه نعمت الله، ص ۴۶۱، ب ۵)

در این بیت «عقل» با «هر کمی» قیاس شده و در نهایت کمتر از کمی پنداشته شده است؛ به عبارتی ارجاع هر کم به عقل سبب انسجام متن شده است.

نکته دیگری که در مورد قیاس خاص شمارشی و وصفی باید مطرح کرد معنای عوامل ارجاع این دو نوع ارجاع است. عواملی مانند «کمتر» یا «فزون» در ظاهر همیشه مقدار، کمیت یا شمار را مقایسه می‌کند و در زمره عوامل مقایسه خاص شمارشی جای می‌گیرد؛ اما در ادب پارسی شواهد بسیار زیادی از این عوامل می‌توان یافت که در معنایی غیر از مقایسه مقدار، کمیت یا شمار به کار می‌رود؛ برای مثال:

داور روی زمین خواندش اکنون فلک از همه سلجوقیان داندش افزون فلک
(خاقانی، ص ۵۲۱، ب ۱)

در این بیت «افزون» گرچه در ظاهر، جزء عوامل ارجاع مقایسه‌ای شمارشی است، معنای آن هیچ اشاره‌ای به کمیت و مقدار ندارد، بلکه منظور «مقام معنوی» یا چنین چیزی است؛ مثال دیگر:

روزگار تو دگر گردد و کار تو دگر فکر آن باش که سال دگر ای شوخ پسر
پیش کین مو به رخت چون مور آرد لشکر نه کم از موری در فکر زمستان باش
(ایرج میرزا، ص ۲۱، ب ۳۴۹ - ۳۶۰)

در این مثال نیز «کم» گرچه در ظاهر جزء عوامل ارجاع مقایسه‌ای شمارشی است، معنای آن اشاره‌ای به کمیت و مقدار ندارد؛ بلکه منظور «پستی و فرومایگی» است؛ مثال دیگر

عطار کجا رسی به سلطان زیرا که کم از سگان کویی
(عطار، دیوان، ص ۶۹۷، ب ۱۰)

در این مثال نیز «کم» به معنای «پست‌تر و حقیرتر» آمده است. در این موارد چون ویژگی مقایسه شده کمیت نیست بلکه کیفیت است، مقایسه حالت توصیفی به خود می‌گیرد و بنابراین در زمره عوامل مقایسه وصفی قرار می‌گیرد.

وصفی: در این نوع از مقایسه ویژگیهای غیر قابل شمارش یا اندازه‌گیری طرفین با یکدیگر قیاس می‌شود؛ مانند خوبی، بدی، پاکی، تازگی و غیره. نتیجه این نوع مقایسه با صفات و قیود تفضیلی‌ای که معنای غیر شمارشی دارد، بیان می‌شود؛ برای مثال:

این کتابی که گفته‌ام در پند چون رخ حور دلبر و دلیند
عاقلان را غذای جان باشد عارفان را به از روان باشد
(سنایی، ص ۷۴۵، ب ۱-۹)

در این بیت کیفیت یا «بهتر بودن» دو چیز با هم قیاس شده است: اول کتاب و دوم روان و سرانجام کتاب از روان «بهتر» پنداشته شده است؛ فرایند قیاس این دو عمل باعث شکل‌گیری ارجاع مقایسه‌ای وصفی می‌شود. همان‌طور که بیان شد، باید توجه داشت گاهی عوامل بیان‌کننده نتیجه ارجاع مقایسه‌ای شمارشی به جای عوامل ارجاع مقایسه‌ای وصفی به کار می‌روند. اما در این نوع کاربرد معنای شمارشی ندارد؛ برای مثال:

یکی قیصر روم و قیصر نژاد فریدون ورتاج بر سر نهاد
بزرگ است وز سلم دارد نژاد ز شاهان فزونتر به رسم و به داد
(فردوسی، ج ۷، ب ۷۱۵-۷۱۶)

در این بیت ارجاع مقایسه‌ای وصفی بین کسی است که بزرگ است و از سلم دارد نژاد از یک سو و شاهان از سوی دیگر. اما نتیجه این مقایسه با عامل شمارشی «فزونتر» بیان شده است که هیچ نوع معنای شمارشی با خود ندارد. سرانجام نیز آن کس که بزرگ است از همه شاهان فزونتر پنداشته می‌شود اما نه از نظر شمارشی.

به عنوان آخرین نکته باید گفت در اغلب موارد مقایسه به صورت بسیار پیچیده و مخفی است؛ به گونه‌ای که مرجع و پیش‌انگار پیدا نیست و به نظر می‌رسد اصلاً مقایسه‌ای در بین نیست؛ برای مثال:

دولتش باقی و نعمت به فزون / راوقی بر کف و معشوق به بر

(فرخی، ص ۱۸۴، ب ۳۶۷۲)

ژرف ساخت این جمله و در پی‌اش ارجاع مقایسه‌ای آن را می‌توان به صورت زیر پنداشت:

[کسی که] راوقی بر کف و معشوق به بر [دارد] دولتش باقی [تر] و نعمت بـفـزـون [تر از کسی است که راوقی بر کف و معشوق به بر ندارد]. مثال دیگر:

سـخـا هـنـگـام درویشی فـزـونـتـر کن که شاخ رز

چو درویش خزان گردد پدید آید زرافشانش

(خاقانی، ص ۲۱۳، ب ۴)

ژرف ساخت این مثال را می‌توان چنین پنداشت:

سـخـا هـنـگـام درویشی فـزـونـتـر [از هنگام ثروتمندی] کن که شاخ رز... .

«گاهی نیز مقایسه درونی است یعنی ممکن است شباهت متقابل^۹ بدون مصداق آشکار داشته باشیم: عددی بیابید که مربع آن برابر مجموع ارقام آن باشد» (محمد ابراهیمی: ۹۵). در این مثال مرجع طرفین مقایسه یکی است؛ یعنی مربع یک عدد است و طرف دیگر مجموع ارقام همان عدد. البته در این مورد شاهد شعری یافت نشد.

نتیجه‌گیری

ارجاع رابطه‌ای است که طی آن تعبیر یا تفسیر یکی از طرفین ارجاع، یعنی عنصر پیش‌انگار بر اساس ویژگیهای معنایی آن عنصر انجام نمی‌شود؛ بلکه برای این منظور به سوی دیگر رابطه، یعنی مرجع، رجوع می‌شود؛ به عبارت دیگر عنصر پیش‌انگار عنصری است که به صورت بالقوه، مصداقهای فراوانی دارد که برای روشن شدن مصداقش باید به مرجع آن رجوع کرد. این تعریف در مورد ارجاع شخصی و اشاره‌ای صحیح است؛ اما فرایند ارجاع در ارجاع مقایسه‌ای به گونه‌ای دیگر است. نکته اصلی در این فرایند وجود ویژگی یا مجموعه‌ای از ویژگیهاست که در طرفین مقایسه وجود دارد و آنها را به هم می‌پیوندد. به علاوه ارجاع شخصی و اشاره‌ای رابطه هم‌مرجعی را نشان می‌دهد؛

یعنی در فرایند این دو نوع ارجاع بارها به یک مصداق ارجاع داده می‌شود؛ اما ارجاع مقایسه‌ای رابطه تقابل را بیان می‌کند. در ارجاع مقایسه‌ای مقوله‌ای را که بدان ارجاع داده شده است می‌شناسیم؛ اما نه به این علت که قبلاً به آن ارجاع شده؛ بلکه بدین علت که آن مقوله در یک ویژگی همانند یا متفاوت با مقوله‌ای است که قبلاً ذکر شده است. ارجاع مقایسه‌ای ارجاع غیرمستقیمی به یکسانی یا شباهت عوامل ارجاعی است. ارجاع مقایسه‌ای شامل صفات و قیود تفضیلی و اشاره‌ای می‌شود.

ارجاع مقایسه‌ای ارجاعی غیرمستقیم است که طی آن دو چیز از طریق رابطه‌ی همانندی، شباهت، تفاوت و مانند به هم ارجاع داده می‌شود؛ به عبارت دیگر در صورتی که دو چیز با هم مقایسه شود، رابطه ارجاعی بین آنها شکل می‌گیرد. تمامی این روابط ارجاعی تنها در صورتی انسجام‌بخش است که هر کدام از طرفین ارجاع در یک جمله باشد. به علاوه انسجام متن، تنها با وجود یکی از طرفین مقایسه شکل نمی‌گیرد؛ بلکه وجود هر دو طرف برای شکل گرفتن بافتار و انسجام دو یا چند جمله و در پی آن متن لازم است.

ارجاع مقایسه‌ای به دو دسته کلی ارجاع مقایسه‌ای عام و ارجاع مقایسه‌ای خاص تقسیم می‌شود. ارجاع مقایسه‌ای عام مقایسه‌ای است بدون توجه به ویژگی‌های دو چیزی که با هم قیاس می‌شود و به سه بخش یکسانی، شباهت و تفاوت تقسیم می‌شود؛ یعنی دو چیزی که از طریق ارجاع مقایسه‌ای عام با هم مقایسه می‌شود یا یکسان است یا شبیه است یا متفاوت. یکسانی طرفین مقایسه از طریق واژه‌هایی مانند «برابر» و «یکسان» نمایش داده می‌شود؛ شباهت آنها از طریق واژه‌هایی مانند «شبیه» و «مثل» و تفاوتشان از طریق واژه‌هایی مانند «متفاوت» و «متمايز».

میان تشبیه و انواع ارجاع مقایسه‌ای ارتباطی یافت می‌شود؛ یعنی ادیبان هنگام بررسی تشبیه امکانات مختلف مقایسه را نیز بررسی کرده‌اند. بنابراین بررسی انواع تشبیه می‌تواند دید گسترده‌تری به ارجاع مقایسه‌ای بدهد؛ به عبارت دیگر رد پای تشبیه چه در فروع مقایسه عام یعنی یکسانی، شباهت و تفاوت و چه در فروع مقایسه خاص یعنی شمارشی و وصفی وجود دارد. با مقایسه و تطبیق تشبیه و ارجاع مقایسه‌ای به نتایج زیر در حوزه‌های مختلف دست می‌یابیم:

مقایسه عام در حوزه یکسانی: با توجه به امکانات تشبیه در زبان فارسی شاید بتوان دو نوع از انواع تشبیه را با مقایسه عام در حوزه یکسانی قابل قیاس دانست. به نظر

می‌رسد تشبیه بلیغ نوع ادبی مقایسه عام از نظر یکسانی است؛ یعنی بخش اول از مقایسه عام زیرا ادعای یکسانی مشبه و مشبه‌به یا همان مرجع و پیش‌انگار مطرح می‌شود بدون اینکه توجهی به دلیل این یکسانی یا ویژگی مشترک آنها شود. از طرفی این ادعای یکسانی در تشبیه مؤکد نیز مطرح می‌شود؛ اما با توجه به ویژگی مشترک مشبه و مشبه‌به یا ذکر ویژگی مشترک آنها. در هر دوی این گونه‌های تشبیه عوامل ارجاعی نشان‌دهنده یکسانی از روساخت جمله حذف شده است و به همین دلیل در زمره ارجاعات قرار نمی‌گیرد. در واقع ارجاع آنها به نوعی ارجاعی معنایی است که در نظریه هالیدی نادیده گرفته شده است. یکی از ایراداتی نیز که به نظریه هالیدی وارد شده عدم توجه به معناست. با این حال نگارندگان این دو نوع تشبیه یعنی تشبیه مؤکد و بلیغ را به تقسیم‌بندی ارجاع مقایسه‌ای وارد نکرده‌اند. اما در ادب فارسی نوعی از ارجاع مقایسه‌ای در حوزه یکسانی وجود دارد که عوامل ارجاعی آن حذف نمی‌شود و به ویژگی مشترک طرفین ارجاع نیز توجه می‌شود؛ به عبارتی گاهی در زبان ادبی بر خلاف قاعده‌ای که در مورد مقایسه عام مطرح شد به ویژگی‌ای که سبب ادعای برابری شده است نیز اشاره می‌شود. صحیح این است که چنین مواردی در مقایسه خاص بررسی شود؛ به عبارتی ایجاد شاخه‌ای در بخش مقایسه خاص با عنوان یکسانی صحیحتر به نظر می‌رسد. اما با توجه به اینکه هدف نگارندگان حفظ صورت کلی نظریه بوده است از این کار صرف نظر، و تنها به تذکر این امر بسنده نموده‌اند.

مقایسه عام در حوزه تفاوت: در ادبیات فارسی نوعی از تشبیه وجود دارد با عنوان «تشبیه تفضیل». در این نوع از تشبیه نخست تشبیه کنند و پس از فراغت از تشبیه مشبه را بر مشبه‌به تفضیل و ترجیح دهند. این نوع تشبیه با توجه به ذکر یا عدم ذکر وجه شبه یا ویژگی مورد مقایسه در حوزه تشبیه خاص یا عام قرار می‌گیرد؛ زیرا از نظر معنی بین تشبیه تفضیل و انواع دیگر تشبیه تفاوتی وجود ندارد.

مقایسه خاص در حوزه شمارشی و وصفی: طبق نظر هالیدی در مقایسه خاص یک ویژگی خاص پیش‌انگار و مرجع را با هم مقایسه می‌کنیم. این ویژگی خاص کمی یا کیفی است. اگر مقایسه کمی باشد نتیجه آن با عناصر شمارشی بیان می‌شود؛ مثل «کمتر» یا «بیشتر». اگر مقایسه کیفی باشد نتیجه آن را با عامل وصفی یا صفت تفضیلی بیان می‌کنیم؛ مانند تندتر، کندتر، بهتر، بدتر. اما نگارندگان به تبع مقایسه عام و امکانات تشبیه در زبان فارسی، نوع تشبیهی را نیز به این دو نوع افزوده‌اند؛ به عبارت دیگر

می‌توان گفت تشبیه مجمل با مقایسه عام از نظر شباهت یعنی قسم دوم مقایسه عام قابل تطبیق است. چون صرف شباهت دو چیز با هم قیاس می‌شود بدون توجه به ویژگی مشترک. اما جای تشبیه مفصل در تقسیم‌بندی هالیدی خالی است؛ زیرا تشبیهی است با توجه به ویژگی مشترک طرفین مقایسه و می‌دانیم که اختلاف مقایسه عام و خاص نیز در ذکر یا عدم ذکر این ویژگی مشترک است. به همین دلیل به نظر می‌رسد در کنار مقایسه خاص از نظر شمار و وصف بتوان مقایسه خاص از نظر شباهت را نیز ذکر کرد.

پی‌نوشت

1. cohesion
2. reference
3. ellipsis
4. substitution
5. conjunction
6. lexical cohesion

۷. برای ملاحظه توضیحات مفصل در مورد عوامل انسجام متن در نظریه هالیدی به مقاله «نقش ارجاع شخصی و اشاره‌ای در انسجام شعر عروضی فارسی» به قلم نگارندگان در مجله پژوهش‌های ادبی، شماره ۱۹، صفحه ۱۱۷ مراجعه فرمایید.

8. presupposition
9. mutual likeness

منابع و مأخذ کتابهای فارسی

۱. اعتصامی، پروین، به کوشش محمد مظفریان، تهران، علمی، چ دوم، ۱۳۶۲.
۲. انوری، دیوان، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، تهران، علمی و فرهنگی، چ چهارم، ۱۳۷۶.
۳. حافظ، دیوان، به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ چهارم، ۱۳۸۲.
۴. خاقانی شروانی، دیوان، به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران، زوار، چ هفتم، ۱۳۸۲.
۵. خاقانی شروانی، دیوان، ویراسته میر جلال الدین کزازی، ۲ جلد، تهران، مرکز، ۱۳۷۵.
۶. سعدی، شیخ‌مصلح‌الدین، کلیات، تصحیح بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، دوستان، چ چهارم، ۱۳۸۳.

۷. سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، به تصحیح تقی مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، چ ششم، ۱۳۸۳.
۸. شاه نعمت‌الله ولی، دیوان، تصحیح سعید نفیسی، محمد علمی، بی‌جا، بی‌تا، بی‌نا.
۹. صفوی، کوروش، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۰. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین، اسرارنامه، تصحیح سید صادق گوهرین، تهران، زوار، چ ششم، ۱۳۸۴.
۱۱. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین، دیوان، تصحیح تقی تفضلی، تهران، علمی و فرهنگی، چ دهم، ۱۳۸۰.
۱۲. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین، منطق‌الطیر، به اهتمام سید صادق گوهرین، تهران، علمی و فرهنگی، چ سیزدهم، ۱۳۷۷.
۱۳. علوی مقدم، محمد، اشرف‌زاده، رضا، معانی و بیان، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چ دوم، ۱۳۷۹.
۱۴. فرخی سیستانی، دیوان، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، زوار، چ ششم، ۱۳۸۰.
۱۵. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش سعیدحمیدیان، تهران، قطره، چ پنجم، ۱۳۷۹.
۱۶. کاشانی، محتشم، دیوان، به کوشش مهرعلی گرکانی، سنایی، چ پنجم، ۱۳۷۶.
۱۷. محجوب، محمدجعفر، تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا، بی‌جا، چ سوم، ۱۳۵۳.
۱۸. منوچهری دامغانی، گزیده اشعار، به کوشش احمد علی امامی افشار، تهران، چاپ و نشر بنیاد، چ ششم، ۱۳۷۴.
۱۹. مولوی، جلال‌الدین محمد، کلیات شمس تبریزی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، امیرکبیر، چ دهم، ۱۳۶۳.
۲۰. ناصر خسرو، دیوان، به تصحیح مجتبی مینوی، تهران، دنیا کتاب، چ سوم، ۱۳۷۲.
۲۱. نظامی گنجه‌ای، خسرو و شیرین، به تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران، قطره، چ سوم، ۱۳۷۸.
۲۲. نظامی گنجه‌ای، هفت‌پیکر، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران، قطره، چ سوم، ۱۳۷۸.
۲۳. نیما یوشیج، دیوان، به کوشش سیروس طاهباز، تهران، نگاه، چ چهارم، ۱۳۷۵.
۲۴. همایی، جلال‌الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، نشر هما، چ دوازدهم، ۱۳۷۵.

۲۵. همایی، جلال‌الدین، یادداشت‌های استاد علامه جلال‌الدین همایی درباره معانی و بیان، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران، نشر هما، چ دوم، ۱۳۷۳.

پایان‌نامه‌های فارسی

۱. علیجانی، فریبا، عوامل ربط به عنوان ابزاری برای انسجام متن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: ۲-۱۳۷۱.
۲. محمد ابراهیمی، زینب، روابط انسجامی در زبان فارسی (ارجاع)، ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: ۷۶-۱۳۷۵.

کتابهای انگلیسی

1. Cohesion in english, M.A.K. Halliday, Roqiye Hassan, London, Longman: 1984
2. Cohesion in english, M.A.K. Halliday, Roqiye Hassan, London, Longman: 1976
3. discourse analysis, Gillian Brown, George Yule, Cambridge, Cambridge University Press: 1989

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی